

منجی آخرالزمان و بشارتهای نویدبخش در قرآن به مؤمنان

□ محمد حسین حجتی *

چکیده

مسئله نجات جهان توسط مصلح عالم و منجی بشر در آخرالزمان و برپایی آرمان های انبیای الهی و استقرار عدالت و صلح در تمام گستره زندگی فرزندان آدم در سراسر کره خاکی، یکی از قطعی ترین و مهم ترین مقولات در گفتمان های اعتقاد - اجتماعی جوامع و ملل بشری در طول تاریخ ادیان آسمانی و الهی خصوصاً ادیان ابراهیمی بوده است. در عصر حاضر نیز مسئله پایان تاریخ و آخرالزمان از گفتمان های رایج در جوامع دینی در دنیا می باشد و نشان دهنده این است که گفتمان نجات عالم، ناشی از از باورها و آرمان های امیدبخش باورمندان و مؤمنان عالم است که از زمان های بسیار دور در جوامع دینی مطرح بوده و همواره موجب دمیدن روح امید، نشاط و حرکت به بشر رنج کشیده از جور و ظلم ستمکاران بوده و سبب بن بست شکنی توسط محرومان شده است. قرآن کریم نیز به عنوان منبع قطعی و یگانه کتاب مقدس دینی مصون از تحریف، کامل ترین و آخرین کتاب آسمانی و وعده صادق در مورد نجات عالم و ظهور منجی و نجات دهنده الهی با قطعیت سخن فرموده و مسئله نجات اهل ایمان و وراثت زمین توسط صالحان را از سنت های حتمی خداوند دانسته و بشارت های نوید بخش در رابطه به نجات مؤمنان و فرجام خوش آنان مطرح کرده است. که در این مقاله به مهمترین آن ها پرداخته شده و با استفاده از آیات قرآن و منابع کتابخانه ی با روش توصیفی تحلیلی، مسئله نجات اهل ایمان و وعده های نویدبخش در قرآن کریم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و به این یافته رسیده است که از منظر قرآن کریم نجات اهل ایمان از سنت های قطعی الهی است که با غلبه جهانی دین اسلام و

* دانش آموخته سطح چهار حوزه و دانش پژوه دکتری قرآن و مدیریت.

حاکم شدن ارزش های الهی و تحقق آرمان های بزرگ پیامبران در آخرالزمان توسط فردی از تبار پیامبران و آخرین خلیفه خاتم پیامبران (ص) تحقق یافته و ریشه تمام تباهی ها و فسادها نابود و خشکانده می شود. نتیجه گیری و پیش نهاد نویسنده این است که متفکران مسلمان و مبارزان با ظلم و استکبار در تمام عالم از این سرمایه امید بخش استفاده نموده و به منزله یک جریان فکری قوی برای مقابله با ظلم، جور و ستم بکار برده و چالش اساسی در برابر زورگویان عالم و ظلم سردمداران کفر و استکبار ایجاد نموده و مانع استمرار زورگویی و بسط ستم آنان گردد.

کلید واژه ها: منجی، آخرالزمان، بشارت، قرآن و مؤمنان.

مقدمه

اندیشه منجی گرایی و مهدویت و عقیده به ظهور منجی موعود و مصلح جهانی در پایان زمان و برقراری حکومت عدل واحد جهانی اندیشه مختص به شیعه نیست، بلکه اندیشه ناب و جوشیده از متن قرآن و از وعده های قطعی و تخلف ناپذیر الهی می باشد. بنابراین باور به طلوع خورشید نجات دهند بشر، یک آرمان فراگیر جهانی در اندیشه تمام مسلمانان و پیروان ادیان و موحدان جهان و محرومان عالم است. که تمام فرق اسلامی و بسیاری از پیروان مکاتب و ادیان آسمانی با این باور زندگی کرده و به امید ظهور منجی مصلح و موعود جهانی است. و می توان ادعا کرد که باور به نجات مؤمنان و ظهور منجی و مصلح عالم از جمله باورها و ایده های مشترک حرکت آفرین و نشاط بخش در میان همه فرق اسلامی و پیروان ادیان، خصوصاً ادیان الهی و آسمانی است و از ایده ها و باورهای بسیار مهم راهبردی و مشترک در راستای بازتولید امید و حرکت در میان پیروان و باورمندان به قرآن بوده و از اعتقادات محکم و راسخ پیروان اکثر مذاهب اسلامی می باشد. (رجالی تهرانی، ۱۳۸۳ ش: ص ۵۲). با تحقیقی مفصل و مشروحی که در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: مشترکات ادیان ابراهیمی در قرآن کریم انجام داده ام با قاطعیت می توانم بگویم که اعتقاد به منجی موعود، خاص پیروان ادیان ابراهیمی نیست بلکه عموم بشر فطرتاً همواره منتظر یک مصلح و منجی بوده و گزینه بنام گزینه منجی موعود همیشه در کانون

حیات و زندگی بشر و انسان‌ها وجود داشته و به زندگی انسان‌ها گرما و انرژی و نیرو داده و مایه امید و موجب تسکین دردها و آلام بشریت خسته از ستم و ظلم بیدادگران و جباران و روشن بخش مسیر تعالی و تکامل برای زندگی انسان‌ها بوده است. در این میان قرآن کریم به عنوان تنها منبع یقینی و سرچشمه گرفته از وحی الهی و مصون از هرگونه تحریف و تغییر، این مسئله را با وضوح کامل تبیین نموده و در قالب بشارت‌های نوید بخش از نجات اهل ایمان، پیروزی مؤمنان و خلافت صالحان و وراثت زمین توسط شایستگان و غلبه دین اسلام بر تمام ادیان و جهان سخن فرموده و به تقوا پیشه‌گان مژده داده است. که در ادامه به این بشارت‌های نوید بخش و امیدآفرین پرداخته و آیات بیانگر این بشارت‌ها و نویدهای الهی را به صورت خاص و تازه دسته بندی، بررسی و تحلیل نموده و با شیوه متفاوت بشارتها و وعده‌های نوید بخش قرآنی در مورد منجی و چگونگی آن را ترسیم و به روشنی تبیین خواهیم نمود. که در ادامه با شروع به مباحث مورد نظر به بررسی و تحلیل آن موارد و بشارت نوید بخش و امید آفرین خواهیم پرداخت.

منجی آخرالزمان و بشارت های نوید بخش در قرآن کریم به مؤمنان

یکی از تعالیم اساسی، بسیار متعالی، امیدبخش و نشاط آفرین که در منظومه معرفتی قرآن کریم و تعالیم این کتاب مقدس الهی بسیار به آن توجه و تأکید شده است، بحث نجات یقینی و قطعی عالم از دست جباران و مفسدان عالم و تحقق کامل آرمان‌های الهی تمام پیامبران در زمین و اقامه دین و ارزش‌های الهی، ترویج یکتاپرستی، توحید و وراثت زمین توسط صالحان است. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی در ترسیم و بیان نقشه راه، جهت هدایت و تربیت ابناء بشر، به این مطلب مکرر اشاره کرده است که در نهایت این دین الهی و ارزش‌های متعالی آن است که بر تمام زمین سیطره یافته و بساط فساد، تباهی و ناپاکی و بی‌بندوباری و تاریکی را جمع و ریشه هر آنچه تعدی از حدود الهی و ظلم و ستم به ساحت ربوبی و در حق اولاد آدم است از بین خواهد برد و با پیروزی صالحان و پاکان بر ستمکاران و ناپاکان، بساط شرک، کفر و عصیان و ظلم و الحاد را درهم خواهد کوبید. قرآن کریم درباره این رویداد مبارک و بسیار مهم در ضمن آیات متعدد و زیاد با صراحت و قطعیت تمام سخن گفته و به این مطلب مهم با بیانات متنوع

اشاره نموده است که در ادامه به صورت مختصر و اجمالی به تعدادی از این آیات در قالب مباحث ذیل پرداخته می‌شود.

۱. بشارت اول: نجات قطعی مؤمنان همانند پیامبران در آخرالزمان

در قرآن کریم مسئله نجات اهل ایمان همانند نجات پیامبران یکی از بشارت‌ها و سنت‌های قطعی و حتمی الهی است که با صراحت تمام در ضمن آیات متعدد در مورد آن سخن به میان آمده و فراوان به آن اشاره و پرداخته شده است و نشان می‌دهد که نجات اهل ایمان در این دنیا و مطرح کردن مسئله نجات دهند (منجی) از تعالیم و بشارت‌های مهم و اساسی در قرآن کریم است. درست است که عین لفظ و کلمه منجی در آیات قرآنی ذکر نشده اما مشتقات و نیز کلمات و الفاظ هم ریشه با منجی بصورت مکرر و در قالب‌های متنوع به تعداد ۶۷ مرتبه ذکر شده است که بیان‌گر محتوا، مفاهیم و مصادیق گوناگون در باب نجات و نجات یافتگان از منظر قرآن کریم می‌باشد. مثلاً در برخی آیات از نجات پیامبران، اهل بیت آنان و همسران و نجات بنی اسرائیل و در مواردی از نجات اهل تقوی و اهل ایمان و یاوران پیامبران سخن گفته و نیز در تعدادی از آیات از نجات اهل ایمان در آخرت و قیامت خبر داده و با آنکه نجات اهل ایمان در آخرت و قیامت را یک امر قطعی دانسته و از آن خبر داده است. (مریم / ۷۲). اما مسئله نجات و رهایی اهل ایمان خصوصاً پیامبران و فرستادگان خود را از سلطه جباران، ستمکاران و ظالمان در زندگی این دنیا هم مورد تأکید و توجه قرار داده و خبر نجات پیامبران و اهل ایمان را با بیان‌های گوناگون مطرح کرده و برای اعلان این خبر مهم و بشارت امید آفرین، مسرت بخش و حرکت دهنده و انگیزشی، مصادیق عینی و خارجی از گذشته‌ها و تاریخ نیز به ما نشان داده است. قرآن- کریم برای اینکه مسئله را به صورت عینی تر و ملموس تر بیان نماید، داستان‌های شیرین و جالب از نجات اهل ایمان و پیامبران در مقاطع مختلف تاریخی را نقل کرده و در ضمن آنها مسئله نجات خداپرستان را موکد یادآوری نموده و در قالب این داستان‌های پندآموز به روشنی نشان داده، خداوند توانا چطور در سخت‌ترین لحظات و تنگنای زندگی به یاری و کمک بندگان و اهل ایمان می‌رسد و آن‌ها را نصرت داده و یاری خواهند نمود. یکی از این رویدادهای قطعی

تاریخی که در برخی از سوره‌های قرآن کریم آمده است، داستان نجات بنی اسرائیل و حضرت موسی (ع) از جور، ستم و ظلم فرعونیان است. خداوند با نقل این نصرت الهی که برای پیامبر گرامی اسلام (ص) و مومنان بیان کرده، هدفش این بوده که به این شکل به مومنان و پیروان دین اسلام قوت قلب و اطمینان داده و امیدشان را تقویت و زنده نماید. خداوند متعال در قالب بیان این مسئله تاریخی به ما یادآور شده است همانگونه که پیامبرش حضرت موسی (ع) را که فردی تنها، بی سپاه و بدون لشکر و قومش خاندان بنی اسرائیل در اقلیت کامل و ناتوان بودند، از چنگال خون آشام و بی رحم فرعونیان ستم پیشه که در اوج قدرت و توانمندی بودند نجات داد و رهایی بخشید و بنی اسرائیل را درحالیکه پیش روی شان دریا و پشت سرشان لشکر مجهز و خونریز دشمن بود نجات داد و در برابر فرعون و لشکریان فراوان فرعون غالب و پیروز نمود. (شعراء/ ۶۰ الی ۶۶). نجات اهل ایمان و یاری محرومان نیز برای چنین خدای دانا و توانا مقدور و محتمل خواهد بود. بنابراین با اعتقاد کامل به این وعده حتمی و سنت قطعی الهی باید با امید قاطع، به سوی تعالی حرکت کرد و به دیگران هم باید حرکت و انگیزه داد و در این عصر و دوران آخرالزمانی به حمایت از مقدسات و ارزشهای الهی اقدام و عمل نموده و با اجرای فریضه واجب امر به معروف و نهی از منکر، دین و ارزش های دینی را احیاء و اجراء کرد. زیرا قرآن کریم علاوه بر نجات مؤمنین، از نجات ناهیان از فحشا و منکر و منع کنندگان از گناه هم سخن گفته (اعراف/ ۱۶۵). و در یک خبر قطعی و وعده صریح از نجات آنان گزارش کرده است و یا در مورد بشر گرفتار در امواج تاریک دریا و صحرا و نجات آنان با خطاب قراردادن شان که چگونه آنان را با لطف و کرمش از آن حوادث رها کرده است. (یونس/ ۲۲). آنان را راجع به نیازمندی و احتیاج همیشگی شان به ساحت قدسی خداوند متعال توجه داده و متنبه کرده است. قرآن کریم در بیان این مسئله مهم از بیانات متنوع بهره جسته، از داستان های شگفت انگیز نجات حضرت هود، صالح، نوح، ابراهیم، لوط، موسی، شعیب و دیگر پیامبران و اهل تقوا و ایمان (نمل/ ۵۳. و زمر/ ۶۱. و فصلت/ ۱۸) و دیگر داستانهای عبرت آمیز با تعبیر و بیانات گویا حکایت کرده است. در برخی آیات از تجارتی که موجب نجات از عذاب دردناک و بی پایان آخرت می گردد خبر داده است. (صف/ ۱۰). که بررسی و دقت در هر کدام از این آیات مباحث جداگانه و فرصت دیگر و

کافی می‌طلبد. اما آنچه مربوط اینجا و شاهد مثال ما در این پژوهش و مورد بحث ما می‌باشد وعده قطعی الهی در رابطه به نجات اهل ایمان توسط منجی موعود است که در ضمن آیه ۱۰۳ سوره مبارکه یونس از آن خبر داده و در این آیه مبارکه از یک قانون و قاعده کلی سخن به میان آورده و یک سنت عام قطعی را مطرح کرده و با مطرح کردن یک سنت فراگیر و جامع، از نجات اهل ایمان به صورت مطلق و کلی خبر داده که این نجات و رستگاری بشر با رهبری و توسط یک منجی موعود و مورد انتظار محقق گردیده و وعده قطعی الهی در آخر الزمان به سرانجام خواهد رسید. چنانچه خداوند فرموده است: **ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ**، (یونس/ ۱۰۳). سپس ما فرستادگان (پیامبران) خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می‌آورند، نجات می‌دهیم و همین گونه، بر ما حق است که مؤمنان (به تو) را (نیز) نجات و رهایی بخشیم! مخاطب مورد نظر در این آیه بالا، شخص پیامبرگرمی اسلام (ص) است و نجات یافتگان هم مسلمانان و پیروان راستین و حقیقی قرآن کریم می‌باشند. چنانکه مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه می‌فرماید: حرف "ال" در کلمه "المؤمنین" الف و لام عهد است، که معنایش مؤمنین معهود می‌باشد، یعنی مؤمنین این امت یعنی مسلمانان. و این جمله بیانگر وعده قطعی و جمیلی است به رسول خدا خاتم پیامبران (ص) و به مؤمنین این امت و مسلمانان که خدای تعالی آنان را نجات خواهد داد. در ادامه ایشان می‌فرماید: بعید نیست از اینکه در این جمله نام رسول خدا (ص) را نیاورده است و تنها فرموده: مؤمنین را نجات می‌دهیم، با اینکه در مورد امت‌های گذشته، رسولان را همراه با مؤمنین ذکر کرده بود، استفاده شود که رسول خدا (ص) این نجات موعود را درک نمی‌کند، و خدای تعالی بعد از رحلت آن جناب، مؤمنین امتش را نجات می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۰، ص ۱۲۹). پس مسئله نجات امت اسلام و مستضعفین جهان طبق این بشارت صریح و روشن یک امر قطعی و وعده حتمی الهی است. که تا هنوز محقق نشده و با طلوع خورشید نجات بخش و موعود عالم در آخر الزمان قطعاً محقق خواهد شد.

۲. بشارت دوم: ذخیره الهی برای اهل ایمان

بشارت مهم دیگری که در قرآن کریم سرآمد کتاب‌های الهی و آسمانی و تبیان کل شیء از جانب خالق جهان مطرح شده و به آن نوید داده شده است مسئله منجی عالم و موعود مصلح به عنوان ذخیره خداوند برای دین، انسان و عالم می‌باشد. این مسئله از نظر قرآن کریم آن قدر حتمی و مسلم فرض شده که با صراحت و قاطعیت تمام به آن اشاره و در قالب بشارت‌های نوید بخش فراوان بیان گردیده است. قرآن کریم در این باره به همه مومنان نوید روشن و بشارت صریح و وعده قطعی داده است. که به طور قطع و یقین روزی این ذخیره و منجی عالم و مصلح امم خواهد آمد. و به ناسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها خاتمه خواهد داد. و ضمن برپایی انقلاب پرشور جهانی، پرفروغ و امید آفرین، و حرکت عظیم و دامن‌گستر سراسری، رسم توحید را برپا خواهد نمود. و روش عبادت و بندگی را به انسان‌ها تعلیم خواهد داد. و پرچم دادگری و عدالت را، بر فراز بلندترین آبادی‌های گیتی، به اهتزاز در خواهد آورد و انسان‌های مأیوس و نا امید و خسته از ظلم، جور و ستم را نجات داده و کاروان بشریت را به سر منزل مقصود و سعادت نهایی خواهد رساند. و سعادت و کمال و رشد کامل را برای بشریت به ارمغان خواهد آورد و تشنگان وادی غیبت و حیرت را با آب زلال ظهور سیراب خواهد نمود و خورشید عالم تاب مهر و عدالت و صداقت در افق تاریک و ظلمانی آخرالزمان خواهد درخشید و ابرهای تیره و تاریک گمراهی، تباهی، ضلالت و ظلم را نابود خواهد نمود و عصا به همه موجودات و فشرده همه کائنات و رشته ملک و ملکوت و ریسمان اتصال به خدا و غیب در افق زندگی انسان‌ها از نو پدیدار خواهد گشت. و وعده نویدبخش الهی تحقق خواهد یافت. ذخیره عالم، منجی آدم و موعود امم برای نجات تمام بشریت و استقرار کامل عدالت قدم به میان مردم خواهد گذاشت و خورشید عالم تاب انسانیت و مهربانی طلوع خواهد کرد. و همه دنیا را بعد از آنکه مملو از ستم و جور شده باشد با صلح کامل و عدالت فراگیر پُر خواهد کرد. (فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْعَثُ فِي أُمَمِي سُلْطَانًا عَادِلًا وَ إِمَامًا قَاسِطًا يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، وَ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِ وَلَدِي الْحُسَيْنِ، اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي!) (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ص ۳۳۸ و سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۹۵۸). قرآن کریم به عنوان وحی الهی از منجی و موعود مورد انتظار

پیروان ادیان و کل بشر به عنوان «بقیت الله» ذخیره خدا برای عالم سخن گفته و این بشارت نوید بخش را از زبان حضرت شعیب^(ع) که از پیامبران ابراهیمی است نقل قول نموده و این گونه بشارت داده است: **بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرَ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ وَ مَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ**، (مبارکه هود/۸۶). بقیت الله (آنچه خدا باقی گذاشته) برای شما بهتر و نیکوتر است، اگر ایمان دارید و من محافظ و مراقب بر اعمال شما نیستم. با بررسی و دقت در ساختار آیه مورد نظر این نکته روشن می شود که: قرآن کریم این مسئله مهم و ذخیره ماندگارش را اولاً یک امر مفروض و قطعی دانسته و وقوع این مسئله را یک امر حتمی و لازم دانسته و ثانیاً دایره شمولش را جهانی و سراسری اعلان کرده است. به این معنی که این مسئله یک امر جهانی و عمومی و این ذخیره الهی مختص پیروان اسلام نیست بلکه خداوند متعال این ذخیره با برکت و وجود ارزشمند را مایه امید و نجات برای تمام اهل عالم و انسان های محروم و مستضعف روی کره خاکی در نظر گرفته است. در قرآن کریم واژه بقیه با نسبت و اضافه به ساحت قدسی الله و باری تعالی (بقیه الله) و با اعلان و اخبار از خیر بودن این بقیه برای همه ای مخاطبین قرآن کریم (بقیه الله خیر لکم) آمده که می رساند این بقیه الهی هم ذخیره الهی و هم خیر و هم بهترین چیز برای سعادت و هدایت انسان ها خواهد بود. به این شرط که انسان ها اهل ایمان و مؤمن باشند. ثالثاً با نقل قول از زبان حضرت شعیب نبی^(ع) حکایت این ذخیره خیر الهی را حتی به زمان خیلی پیش از زمان ظهور و طلوع دین اسلام منتسب کرده و از جمله عقاید دیگر پیروان ادیان الهی دانسته است. اما از آنجا که نجات عالم به این شکل مورد نظر و وعده داده شده در قرآن کریم، تاکنون به وقوع نپیوسته و منجی عالم با این ویژگی خاص که نجات دهنده و بهترین ذخیره برای تمام اهل عالم باشد ظهور نکرده است. برای این آیه مصداق کامل تر و روشن تر از مهدی موعود^(ع) منجی عالم که طبق تفسیر روایی آیه شریفه، اوست که آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام^(ص) است، متصور نیست. تنها روشنترین مصداق "بقیه الله" مهدی موعود به عنوان یگانه ذخیره الهی و منجی عالم جهت نجات بشر می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است، بخصوص که تنها انسان کامل و معصوم باقی مانده بعد از تمام پیامبران و امامان فقط وجود نازنین ایشان است. چنانچه در روایات متعددی می خوانیم که بقیه الله تفسیر به وجود "مهدی موعود^(ع)" یا بعضی از

امامان معصوم دیگر شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۹، ص ۲۰۵). بنابراین باتوجه به روایاتی معتبری که در تفسیر این آیه کریمه، از اهل بیت پیامبرگرمی اسلام^(ص) در دست داریم، به این نتیجه می‌رسیم، ذخیره‌ی که خداوند متعال برای بشر قرارداده و بزرگترین ذخیره نیز هست و بشارت نوید بخشی که تمام اهل عالم به آن بشارت داده شده است وجود مبارک حضرت ولی-عصر امام زمان^(عج) می‌باشد. که در پایان جهان و آخرالزمان به فریاد بشر ستم کشیده و جور دیده رسیده و بشر خسته از ظلم و بی عدالتی را نجات داده و به سوی سعادت کامل و سلامت رهنمون می‌نماید. (حویزی عروسی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۳۹۰).

۳. بشارت سوم: وراثت زمین برای صالحان

بشارت بسیار نوید بخشی دیگری که در قرآن کریم پیرامون مسئله منجی عالم در آخرالزمان، مطرح شده است مسئله وراثت زمین و حاکم شدن صالحان در آخرالزمان است. این مسئله مطابق گزارش قرآن کریم که به عنوان بشارت بزرگ آمده یک امر سرنوشت ساز برای جامعه بشری و بین‌الدیانی و جهانی و بین‌المللی برای فرجام‌نهایی عالم مطرح گردیده و خبر از نجات عالم و ظهور منجی موعود و مصلح جهان به منزله یک امر تکمیل‌کننده منظومه تشریع شرایع دانسته شده و به عنوان کامل‌کننده ماموریت آسمانی انبیاء الهی و ادیان معرفی گردیده است. این مسئله بسیار با اهمیت و بشارت بزرگ، یعنی تسلط صالحان بر زمین در ضمن آیات متعدد با بیانات مختلف وارد شده و در قرآن کریم به عنوان وعده عمومی مطرح گردیده و گزارش شده که ایده نجات جهان و ظهور منجی در آخر الزمان از سنت‌ها و وعده‌های الهی است که در کتب دیگر پیامبران الهی مکرر و مکتوب به به آن پرداخته شده و یک بشارت جهانی برای عموم بشر می-باشد. چنانکه نصوص و متن بشارت‌ها و اخبار قطعی کتب دیگر ادیان الهی در مقاله دیگری که با عنوان: موعود آخرالزمان و بشارت‌های نویدبخش عهدین مطابق قرآن توسط این جانب تدین شده به صورت مورد به مورد و مشروح نقل شده و آمده است و خوانندگان محترم را به آن مقاله ارجاع می‌دهم.

آیه اول:

اشاره کردیم که مسئله منجی و نجات اهل ایمان از ایده های تمام ادیان الهی است که در قرآن کریم روشن و صریح به آن پرداخته شده و قرآن کریم به عنوان سرآمد کتب آسمانی به این بشارت مهم و بزرگ در ضمن آیات متعدد اشاره نموده و این مطلب مهم را بیان داشته است. از جمله در آیه ۱۰۵ از سوره مبارکه انبیاء این نکته مهم را این گونه گزارش نموده، روشن و آشکار بیان کرده و فرموده است: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ، (انبیاء / ۱۰۵). و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. حال با توجه به ساختار آیه مذکور اگر در متن آیه مورد نظر دقت و توجه کافی نمایم، در این آیه خداوند متعال گزارش قطعی از این رویداد بزرگ و مهم را بصورت تأکیدی در قالب ادات تأکید و جمله: (ولقد کتبنا) بیان نموده و گویا خواسته بفرماید: این مسئله و بشارت بزرگ آن قدر مسلم است که ما آن را یک امر محقق شده فرض کرده و تحقق آن را حتی در کتب انبیاء گذشته هم مکتوب نمودیم. بنابراین این وعده الهی یک وعده تخلف ناپذیر و سنت قطعی و حتمی است که به فرمان خداوند عالم حتما به وقوع خواهد پیوست و صورت عینی به خود خواهد گرفت.

آیه دوم:

آیه دوم حاوی این بشارت بزرگ که آیه پنجم سوره مبارکه قصص است مشابه آیه قبل به این بشارت بزرگ الهی در ضمن بیان داستان نجات حضرت موسی (ع) و قومش از دست فرعون با تأکید خاص و بیان ویژه اشاره کرده و فرموده است: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ، (قصص / ۵). و خواستیم بر کسانی که در زمین فرو دست شده (تضعیف شده) بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم. این آیه که آیه پنجم سوره مبارکه قصص می باشد به شکل دیگر به این قطعیت اشاره کرده و آیه مورد نظر را اگر چه در میان آیاتی ذکر کرده که مربوط به داستان حضرت موسی (ع) و قوم بنی اسرائیل است، ولی بکار بردن صیغه مضارع در فعل «نُرِيدُ وَ نَمُنَّ» بیانگر نوعی استمرار و دوام و استقبال می باشد. و خبر می دهد که این منت الهی برای مستضعفین عالم مستمر

و همواره بوده و تحقق این بشارت بزرگ در آینده و در آخرالزمان خواهد بود و واقع خواهد شد. درست است که قالب داستان بیان رویداد و حوادث زمان حضرت موسی (ع) است اما گویا با این نحوه بیان به این نکته ظریف اشاره کرده که همانند نجات قوم بنی اسرائیل و موسی نبی (ع) که امر بسیار دور از انتظار و در حد محال بود و غیرعادی به نظر می‌رسید نجات مؤمنان نیز به همین شکل و به همین آسانی و راحتی انجام شده و این وعده الهی با نصرت الهی محقق خواهد شد. در حقیقت این آیه شریفه در ضمن گزارش از یک رویداد محقق شده بزرگ در گذشته، که به امر و اذن الهی به صورت معجزه آسا واقع شده از آینده نیز خبر می‌دهد که چنین چیزی همانند داستان نجات حضرت موسی (ع) برای اهل ایمان واقعی بدون تردید و شک به حقیقت پیوسته و حتما محقق خواهد شد و وقوع آن حتمی خواهد بود. چنانکه در روایات نقل شده ذیل آیه نیز به همین مطلب تصریح شده و همین معنی را بیان می‌کند. (از امام علی^(ع) نقل شده است که فرمود: «أَلْ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ص ۵۴). ممکن است در مورد آیه این شبه و پرسش مطرح گردد که آیه حکایت زمان حال موسی (ع) و قوم بنی اسرائیل است و در زمان موسی (ع) این وعده انجام شده است و گزارش یک حادثه‌ای است که در زمان‌های قبل بوده و شاید به این بحث مور نظر ربطی نداشته باشد؟ در پاسخ این شبه و سوال گفته می‌شود: درست است محور و هدف اصلی داستان در آیات مبارکه ابتدایی سوره قصص بیان حال و وضعیت قوم بنی اسرائیل و حضرت موسی (ع) است اما از آنجایی که این آیات پس از گذشت هزار چند صد سال از عصر «موسی» (ع) بر قلب مصفای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرود آمده و نازل شده است و از طرفی هم در قالب و ساختار خاص و ویژه آیه پنجم سوره بیان شده و نحوه گزارش دهی در آیه فراتر از نقل حادثه گذشته است. همه این شواهد نشان می‌دهد و بیانگر این نکته مهم است که آیه صرفا حکایت کننده حال زمان و دوره حضرت موسی (ع) نیست. زیرا اگر این گونه می‌بود و تنها در مورد بنی اسرائیل منت خداوند نقل شده بود طبق قواعد زبانی می‌بایست و ضروری بود که تنها به صورت ماضی گزارش می‌شد همانگونه که در دیگر آیات قرآن، حوادث و جریاناتی که مربوط به گذشته بوده است تنها به صورت ماضی نقل شده و کلمات بکار رفته صرفا به صورت ماضی است و آن موارد تنها از

گذشته پیام دارد، اما نازل شدن آیه مورد بحث در قالب فعلی و به صورت فعل مضارع که معنی استمرار، دوام و استقبال دارد، بیانگر همان چیزی است که ما گفتیم: در حقیقت این آیه شریفه در ضمن گزارش از رویداد محقق شده در گذشته، از آینده نیز خبر می‌دهد و می‌خواهد به ما بگوید که چنین چیزی نباید باور ناپذیر قلمداد گردد بلکه باید این وعده الهی همانند نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی (ع) مسلم پنداشته شود که حتما هم همین خواهد و این بشارت بزرگ برای اهل ایمان واقعی محقق خواهد شد و وقوع آن حتمی خواهد بود. پس آیه مورد نظر کاملاً بیان‌کننده مطلب مورد بحث ما می‌باشد و مخصوص زمان گذشته نیست زیرا به صورت ماضی نیامده است. چنانکه نمونه این کار در جاهای مختلف قرآن کریم هم قابل ردیابی و مشاهده می‌باشد. برای نمونه به چند مورد زیر دقت فرماید که خداوند داستان گذشته و تحقق سنت‌های محقق شده در سابق را چطور با فعل ماضی که بیانگر تحقق امر در گذشته و قبل است و ربطی به آینده ندارد، بیان می‌دارد مثلاً در یکجا می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» (آل عمران/ ۱۶۴). خداوند بر مؤمنین منت نهاد. چه زمان منت نهاده است؟ با فعل ماضی آمده و بیان‌کننده این است که در گذشته بر مؤمنین و اهل ایمان منت گذاشته که در میان شان فرستادگانی از جنس خودشان برانگیخته است. و یا اینکه می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَتَّنَّا عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» (صافات/ ۱۱۴). این منت الهی کی بوده است؟ روشن است که در زمان حیات حضرت موسی و حضرت هارون علیهما السلام در گذشته بوده است. بنابراین خداوند در همه این آیات واژه مورد نظر را به صورت ماضی بکار برده است، اما در آیه مورد بحث به صورت مستقبل «و نريد ان نمّن» آورده است که با صراحت و روشنی تمام از وقوع این منت الهی در آینده برای بشر و عالم خبر می‌دهد. بنابراین همانطوریکه به این مسئله مهم و امیدبخش از روزگاران کهن، مردم باورمند بوده و داستان ظهور مصلح، در آخر الزمان، به صورت یک اصل اساسی در میان پیشینیان مطرح بوده و گذشتگان همواره این مسئله مهم را در یاد داشته اند. اکنون نیز پس از گذشتن قرن‌ها، در خلال آثار و یادگارهای انسان‌های قدیم شواهدی است که ما را به این مهم رهنمون می‌کند. که در هر روزگاری، در میان هر قوم و امتی و در هر سرزمینی و به زبان هر پیامبر، یا حکیم، یا بزرگی، سخن از موعود رفته است، درست است که با تعبیرها و اصطلاح‌ها و نام‌های متعارف، در میان

همان قوم و مردم بوده است، اما در واقع و در حقیقت منظور از همه آن تعبیرها و اشارت‌ها و نام‌ها، سرانجام، موعود کل ادیان و یگانه منجی و مصلح در آخرالزمان مهدی موعود ذخیره الهی اسلام است که در آخرالزمان خورشید وجودش طلوع و ظهور می‌کند و عالم تاریک و ظلمانی و پر از جور و ستم و بیداد را به جهان پر از عدل و داد و خیر و سلامتی مبدل می‌سازد. (حکیمی، ۱۳۷۱ش: ص ۵۰).

۴. بشارت چهارم: فرجام خوش مؤمنان در جهان

بشارت نویدبخش دیگری که در قرآن کریم آمده و به آن اشاره شده است پیروزی نهایی جبهه حق در برابر باطل و فرجام خوش مؤمنان و نصرت اهل ایمان در برابر کفار و ملحدان عالم و وراثت زمین توسط آنان به عنوان شایستگان است. از آن جایکه در بینش الهی و اسلامی انگیزه اصلی گرایش به حق و باطل، در درون خود انسان‌ها، وجود دارد و خداوند از آغاز خلقت، انسان را با سِرِشت: **فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا**، (شمس/ ۱۸) سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد، آفرید. و به انسان‌ها توانایی اختیار و انتخاب مسیر را عنایت کرد. و این خود انسان است که باگرایش به یکی از دو طرف (پلیدی و تقوا) موجب پدید آمدن شخصیت انسانی با تمایلات عالی، خدا جویی، حق طلبی، عدالت خواهی و یا فردی با تمایلات پست حیوانی و انگیزه‌های مادی می‌گردد. همواره و مستمر در طول تاریخ درگیری و مبارزه بین حق و باطل و طرفداران و هواخواهان این دو جبهه در جریان بوده و تا پایان عالم و پیروزی نهایی حق بر باطل در جریان خواهد. در این میان افرادی که انگیزه‌های باطل در آنها غلبه یافته تشکیل جبهه باطل می‌دهند، و افرادی که انگیزه‌های حق در آنها تقویت یافته جبهه حق را به وجود می‌آورند. و درگیری و مبارزه‌ی که بین این دو گروه به وجود می‌آید گاه انسان‌ها را به زبونی و فساد می‌کشاند و گاه دگرگونی‌های اصلاح طلبانه در جهت خیر، صلاح و سعادت جامعه بشری به وجود می‌آورد. باتوجه به این مبارزه سخت و پرهزینه، بشارت پیروزی و فرجام خوش مؤمنان بعد از این مبارزه بسیار طولانی، تاریخی و نفس گیر وعده بسیار دل انگیز و شیرینی است که خداوند متعال به بندگان و صالحان نوید داده و نجات اهل ایمان را قطعی و ظهور منجی عالم را مسلم دانسته

است. خداوند متعال با ایجاد امید و انگیزه در وجود مؤمنان و خداپاواران آن‌ها را به تلاش و حرکت مستمر فرا می‌خواند و با تعالیم اسلام و فرامین حیات بخش قرآن، کوشش انسان‌های صالح، ایمان و فداکاری و هدفداری آن‌ها را در این تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی مؤثر می‌شناسد و ضعف و زبونی و هواپرستی را موجب سلطهٔ باطل و طرفداران آن می‌شمارد. ولی در هر حال، اسلام آینده‌نهایی تاریخ را درخشان معرفی می‌کند و از پیروزی نهایی حق بر باطل، و عدالت بر ظلم خبر می‌دهد. در قالب بشارت نوید بخش و امیدآفرین فرجام نیکوکاران، اهل ایمان و پاکان عالم را خوش و سعادت‌مند ترسیم می‌کند. از نگاه تعالیم حیات بخش اسلامی و بر اساس بشارات و وعده‌های قرآنی و نیز نویدهای انبیای الهی و بشارات کتاب‌های آسمانی که در مقاله دیگری بنده که با عنوان: موعود آخرالزمان و بشارت‌های نوید بخش عهدین مطابق قرآن، ذکر می‌گردد؛ علی‌رغم عوامل بدبینی بی‌شماری که نسبت به آینده بشر در جهان دیده می‌شود. اوضاع و احوال کنونی جهان قابل دوام نیست. دیر یا زود به اذن الهی چرخ گردون زمان به سود مظلومان و مستضعفان عالم خواهد چرخید و چهرهٔ کنونی جهان دگرگون خواهد شد و مفساد اجتماعی، نزاع‌ها، درگیری‌ها، کشمکش‌ها و بی‌عدالتی‌ها از روی زمین رخت خواهد بست و جای خود را به آرامش و امنیت خواهد داد. بنابراین مطابق بشارات قرآنی و بینش الهی عموماً و در بینش شیعی خصوصاً و مطابق با وعده‌های انبیای الهی و نویدهای کُتب آسمانی چشم انداز آینده جهان و سرنوشت بشر روشن و دوران ظلم و فساد پایان پذیر و وراثت مستضعفین و صالحان بر زمین امر قطعی و حتمی است. و سنت قطعی الهی از ایجاد عدالت فراگیر و سراسری بر روی تمام کره زمین خبر داده و با صراحت تمام بیان می‌دارند که این فرجام خوش و نیک، تنها یک آرزو نیست بلکه تحقق اش حتمی و از سنت‌های الهی است و آینده به طور قطع و یقین از آن عدالت، تقوا پیشگان و صالحان است. قرآن کریم در موارد مختلف به صورت بسیار روشن این مسئله را بیان داشته و این بشارت نویدبخش را با اشکال متنوع و از زبان پیامبران نقل کرده از جمله زبان حال حضرت موسی^(ع) را در این باره این‌گونه ترسیم کرده است: **قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ**، (اعراف/ ۱۲۷). موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست

آن را به هرکس از بندگان که بخواهد می دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است. همین وعده قطعی و بشارت مبارک را در جای دیگر با تأکید بیشتر نقل کرده و نوید و آینده روشن را مخصوص صالحان دانسته و به مؤمنان اختصاص داده و با صراحت می فرماید: **وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ** (قصص / ۸۳). و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است. آری، به طور یقین روزی فراخواهد رسید که در آن از این همه ظلم و جور و فساد و جنایت و پستی خبری نخواهد بود. آن روز، دوران بلوغ فکری، معنوی و اجتماعی انسان و آن زمان عصر نورانی ظهور خورشید موعود ادیان و منجی جهان خواهد بود. و در آن زمان وعده الهی تحقق یافته و وراثت زمین به نیکوکاران و پاکان عالم خواهد رسید و فرجام نیک و خوش نیکوکاران و پاکان عالم با خوشی و توفیق و سعادت کامل قرین خواهد شد و کسانی که مؤمن و نیکوکار هستند جایگزین زمین و صاحب زمین و دارای حاکمیت جهانی در قالب دین الهی اسلام در کمال امنیت در سایه سار حاکمیت ارزش-های الهی و تحت لوای فرماندهی حضرت ولی عصر امام زمان (ع) خواهند بود.

۵. بشارت پنجم: گسترش دین اسلام در سراسر جهان

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که از گسترش و سیطره کامل دین جهانی اسلام بر کل جهان و سراسر کره خاکی سخن به میان آورده است. در این آیات مبارکه، قرآن کریم حاکم شدن جهانی صالحان و مستضعفان (اسلام و مسلمانان) و برقراری حکومت واحد جهانی در تمام کره زمین را به مثابه بشارت الهی برای اهل ایمان و پیروان اسلام مطرح کرده و بر قطعیت این سنت فراگیر الهی تأکید کرده است آنجا که فرموده است: **يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ، هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** (توبه / ۳۲ و ۳۳). می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد، تا نور خود را کامل کند، هرچند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش (پیامبر خاتم) را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. طبق این بشارت بزرگ و صریح الهی وعده غلبه و پیروزی دین خدا بر تمام ادیان و در سراسر عالم خاکی، توسط ذخیره الهی و منجی

موعود که عصاره وجود تمام انبیاء و تحقق بخشش آرمان‌های تمام ادیان راستین الهی است محقق خواهد گشت. که با ملاحظه نکات زیر در متن آیه، صراحت و قطعیت این بشارت بزرگ بیش از پیش روشنتر و آشکارتر خواهد شد. خداوند در این آیه شریفه وعده پیروزی اسلام و غلبه آن بر تمام ادیان را بشارت داده و از پیروزی و غلبه اسلام بر تمام ادیان بدون هیچ‌گونه قید و شرطی سخن گفته و با بکار بردن فعل ظَهَرَ که در تمام موارد بکار رفته در آیات قرآن کریم، به معنای پیروزی و غلبه عینی و خارجی می‌باشد. ۱ و از طرفی هم این وعده بزرگ و بشارت نویدبخش را مکرر اعلان کرده (توبه/۹/۳۲ و فتح/۴۸/۲۸. صف/۶۱/۹). و تاهنوز هم در طول تاریخ محقق نشده است به این نتیجه مهم می‌رسیم که منظور از پیروزی سراسری و فراگیر و منظور از غلبه دین اسلام، تنها پیروزی منطقی نیست، چنانکه بعضی از مفسرین در بعضی از نقل قول هایش چنین نقل کرده اند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۶، ص ۳۳). بلکه مقصود از آن در این جا پیروزی و غلبه قطعی عینی و فیزیکی بر سراسر کره زمین بدون هیچ محدودیت و بدون هیچ شرطی است، که خداوند آن را وعده داده و تضمین فرموده است، بدین معنی که پیروان اسلام بر پیروان سائر ادیان به شکلی عینی، حقیقی و خارجی و به طور یقینی و قطعی در تمام زمین غالب و فائق می‌آیند. و از آنجا که اسلام تا کنون به صورت مطلق و فراگیر بر سائر ادیان غلبه نکرده است، این وعده قطعی در آینده به انجام می‌رسد، و زمانی که در آخرالزمان ذخیره عالم ظهور نماید این وعده جهانی اسلام محقق و ثابت می‌شود و با تحقق این وعده بزرگ، اسلام سراسر کره زمین را فرا می‌گیرد و حکومت واحد جهانی اسلام بر تمام ممالک و کشورهای جهان مستقر می‌گردد، و عدالت فراگیر در تمامی مکان‌ها و در حق همه بشر توسط حکومت جهانی آخرین منجی عالم و مصلح کل جهان و موعود کل ملل حضرت صاحب الزمان بقیت الله الاعظم امام مهدی (عج) اجرا می‌شود. و تمام ساکنین روی زمین بدون ترس و دغدغه به عبادت خداوند تبارک و تعالی روی می‌آورند و امنیت کامل و سراسری در تمام عالم حکمفرما می‌گردد. همانگونه که قرآن کریم در جای دیگر فرموده است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُذِلَّنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ

بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ، (نور/۵۵). خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان-گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هرکس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند. در این آیات کریمه با صراحت و قاطعیت تمام، به مؤمنان صالح و پرهیزکاران عالم وعده داده شده است، که وراثت زمین و فرجام نیک، برای آنان بوده و سرانجام، حکومت سراسر روی زمین را در دست خواهند گرفت، و وارث تمام عالم خواهند شد و توحید خالص و یکتا پرستی و دین اسلام فراگیر خواهد گشت، بی‌عدالتی‌ها، نا امنی‌ها، وحشت‌ها و اضطراب‌ها به عدالت، امنیت و آرامش مبدل خواهد گشت، چهره جهان از زنگار شرک، بی‌دینی و فساد پاکسازی و تمامی مظاهر ظلم و بیدادگری از زمین بر چیده می‌شود و تمام بندگان خدا در سراسر کره خاکی و بدون مانع و ترس با آزادی تمام به پرستش خدای یکتا و یگانه می‌پردازند. این وعده بزرگ و بشارت امیدبخش و حرکت آفرین که با صراحت کامل، قرآن کریم در مورد آن سخن گفته و به آن بشارت داده، از بررسی ساختار خاص آیات که حامل این بشارت و عده بزرگ خداوند است و دقت کافی در متون آیات مورد نظر از جمله آیه ۵۵ سوره نور بدست می‌آید که در ادامه بحث به صورت مختصر و کوتاه به چند مورد اشاره می‌شود.

بررسی و تحلیل آیات

حال با تحلیل و بررسی در متن آیات پیش گفته از جمله همین آیه آخر سوره مبارکه نور، چند گزینه روشن و گواه مهم بر بشارت نوید بخش را باهم ملاحظه و مشاهده می‌کنیم که به صورت مختصر و فهرست وار در ادامه به آن اشاره می‌گردد.

الف: اطلاق کلمه ارض در آیات

در آیات مورد نظر که مسئله وراثت صالحان و نیکان بر عالم و فرجام خوش متقین مطرح شده است مشاهده می‌کنیم که: کلمه «ارض» در تمام این آیات به صورت مطلق با الف و لام

جنس بدون قید و بدون بیان هیچ صفت خاصی بکار رفته است به این معنی که مراد از ارض مطلق ارض و شامل تمام کره زمین به صورت کلی و بدون قید و شرط است. این اطلاق و نبود هیچ قید و شرطی در کلمه ارض، به روشنی مشعر به این مطلب مهم است که مقصود از ارض در آیات شریفه کل زمین می‌باشد و کلمه ارض با این اطلاق، سراسر کره خاکی ما را شامل می‌گردد زیرا کلمه ارض بدون قید و به صورت مطلق، همراه با الف و لام جنس آمده که طبق قواعد زبانی در ادبیات عرب دال بر همین معنی مورد ادعاست. و از طرفی تحقق و وقوع و جریان این حقیقت در جهان و در عالم، نیز به صورت عام و مطلق و بدون هیچ‌گونه شرط و قیدی وارد شده و این خبر مهم به طور عام، مطلق و کلی ذکر شده که خود گویای این نکته است که تحقق این پیروزی بزرگ و سیطره کامل جریان حق، سراسری است و دین الهی و ارزش‌های آسمانی آن، در تمام کره زمین حاکم می‌شود. و این بشارت نویدبخش و امیدآفرین برای همه ساکنین سیاره خاکی ماست و بیانگر تحقق یک جریان فراگیر جهانی و وسیع در کل عالم خاکی و در تمام زمین می‌باشد.^۲ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۳، ص ۵۱۵). به دلیل اینکه معنی فراگیر مورد ادعا و کلی همواره از این کلمه ارض که مطلق آمده، بدست می‌آید مگر اینکه قرینه و دلیلی برخلاف باشد.^۳ (حویزی عروسی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۲۴۲).

ب: آینده عالم در دست صالحان و شایستگان

مشاهده شد که کلمه ارض به صورت مطلق در آیات شریقه ذکر شده و طبق قواعد زبانی گفته شد که اطلاق کلمه ارض بیانگر شمول و فراگیری است و می‌رساند که تحقق پیروزی و غلبه ارزش‌های الهی در سراسر کره خاکی و در میان تمام جامعه بشری در تمام زمین خواهد بود. قرینه دیگری که بر سخن مورد ادعای ما در متن آیات وجود دارد کلماتی مانند: صالحون، متقون و آمنو و ... است که از این کلمات نیز آشکارا فهمیده می‌شود که اولاً پیروزی قطعی، ثانیاً سراسری و ثالثاً این غلبه و پیروزی فقط از آن مومنان، صالحان و خداپاواران است و این پیروزمندان مطلق و بدون قید و شرط بر تمام عالم و سراسر کره خاکی بندگان خدا و خدا پرستان و موحدان واقعی بر دیگران و تمام سائرین پیروان ادیان و تمام بشر ساکن زمین خواهند بود. یعنی کسانی که حاکم بر جهان و وارث زمین خواهند شد افرادی هستند که از هر جهت صالح هستند و شایستگی حکومت بر زمین را دارند هم از نظر علم، دانش و آگاهی و هم از نظر عمل و تقوا، هم از نظر قوت و قدرت، هم از نظر نظم و تدبیر و درک مسائل سیاسی و اجتماعی. (اخلاقی،

۱۳۸۳ش: ص ۱۵۲).

ج: تحقق بشارت های الهی در آینده خواهد بود

باتوجه به قرائن موجود در متن آیات، در بحث قبل دو مطلب مهم بیان و اثبات شد اول اینکه پیروزی به صورت عام بر تمام ادیان است و شمول حکومت الهی بر تمام بشر روی زمین خواهد بود و مطلب دوم اینکه: پیروزی و غلبه سراسری و حکومت جهانی و وراثت زمین تنها برای صالحان و شایستگان عالم است. مطلب سوم اینکه، این نصرت الهی و بشارت بزرگ در آینده و در آخر الزمان محقق شده و به وقوع خواهد پیوست. به این دلیل، که این سنت قطعی و وعده جهانی خداوند مبنی بر پیروزی نهایی اهل ایمان بر کافران و ملحدان تاکنون به صورت فراگیر در طول تاریخ بشریت در زمین محقق نشده و فقط به صورت محدود در جغرافیای خاص و در مدت زمان های خاص و محدود در تاریخ گذشته (چه پیش از اسلام و چه در صدر اسلام) حکومت های صالحی هم چون حکومت حضرت سلیمان^(ع) یا حکومت اسلامی در زمان پیامبر خاتم^(ص) و امام علی^(ع)، به ظهور رسیده اند، ولی هیچ کدام به شکلی نبوده است که بتوان آن را حاکمیت جهانی مؤمنان و صالحان به شمار آورد. (سعیدی مهر، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ص ۱۸۷). بنابراین روشن است این پیروزی نهایی و سراسری مربوط به آینده است و این وعده بزرگ و بشارت مبارک در آینده به طور قطع محقق می گردد. مرحوم طبرسی در این رابطه در کتاب شریف تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۵۵ سوره مبارکه نور گفته است: ((فإن التمکین فی الأرض علی الإطلاق لم یفقق فیما مضی فهو منتظر لأن الله عز اسمه لا یخلف وعده)). چون گسترش دین، در سراسر زمین، و جهانگیر شدن آیین، از گذشته تاکنون پدیدار نگشته است، پس به یقین این امر در آینده خواهد بود. زیرا این جهانگیری دین و آیین، وعده خدای است -طبق آیه- و وعده خدای خلف بردار نیست، و خلف نخواهد شد. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۷، ص ۲۳۹. بحرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ص ۸۹. نعمانی، بی تا: ۲۴۰). در نتیجه بدست می آید که حاکمیت جهانی صالحان در آینده مستقر و محقق خواهد شد و این معنی اشاره است، به ظهور موعود ادیان و جهان، مهدی موعود و تأسیس حکومت جهانی اسلام توسط وجود مبارک او که هنوز هنوز تحقق نیافته و مصداق واقعی آیه طبق روایات اسلامی با فراهم شدن زمینه ها با مشیت الهی در آخر الزمان توسط حضرت مهدی آل محمد^(عج) تحقق خواهد یافت. (امینی، ۱۳۵۰ش: ۷۶).

د: پیروزی و فرجام خوش صالحان بشارت ادیان

در قرآن کریم بشارت بزرگ و تحقق پیروزی و غلبه دین اسلام بر سائر ادیان و وراثت صالحان و پاکان بر زمین نه تنها یک اعتقاد و بشارت اسلامی دانسته شده است که این بشارت و وعده مبارک را یک امر بین الادیانی معرفی نموده و خبر داده است که این بشارت بزرگ را در کتب آسمانی دیگر نیز از قبل خبر داده ایم و این وعده جهانی در کتاب‌های ادیان پیشین همانند تورات و زبور و ... نیز ذکر شده و آمده است.^۴ و می‌رساند که این وعده، وعده‌ی تازه نیست بلکه از آرمان‌های ادیان الهی و امری است ریشه‌دار که در تعالیم و آموزه‌های آسمانی ادیان و مذاهب دیگر جهان نیز آمده است. (القرشی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۷۴).

به هر حال مقصود قرآن کریم در آیات کریمه این است که خداوند این وعده و نوید را به عنوان بشارت در کتب انبیاء قبل از پیامبر اکرم^(ص) نیز به مؤمنان خبر داده است. و این مطلب را برای همه روشن ساخته است که این یک مسئله مشترک و قطعی است که با ظهور موعود آسمانی، صالحان و پاکان در پایان زمان وارثان سراسر زمین و کره خاکی می‌باشند. و نسبت به همگان و کلیه انسان‌ها اتمام حجت می‌گردد به گونه‌ای که اگر کسی بعد از آن بخواهد راه کفر و شرک را دنبال نماید مقصر و فاسق خواهد بود و به سزای اعمال شان در همین دنیا هم خواهد رسید.

نتیجه گیری و جمع بندی

در جمع بندی از مباحث مطرح در این پژوهش به این نتیجه می‌رسیم که بحث منجی و نجات اهل ایمان در آخرالزمان و ظهور منجی موعود برای برپایی و احیای ارزش‌های دینی و برقراری عدالت و صلح سراسری در تمام گستره گیتی یک امر قطعی قرآنی است که آیات متعدد قرآنی به این وعده الهی بشارت و نوید داده و در قرآن کریم از آن به عنوان یک سنت حتمی نام برده شده است. همانگونه که در مباحث قبل ملاحظه شده آیات قرآن کریم این وعده بزرگ را در قالب چند بشارت مهم که در آخرالزمان محقق می‌شود مطرح نموده و به این مسئله در ضمن آیات متعدد اشاره و بیان داشته است که این بشارت نوید بخش در ادیان پیشین نیز مطرح بوده و در کتب دیگر ادیان آسمانی نیز خداوند از آن خبر داده است.

علاوه بر بشارت این خبر مسرتبخش و امیدآفرین تأکید کرده است که بشارت و وعده پیروزی نه‌ای حق و عدالت بر باطل و نیز حاکم شدن جهانی صالحان و مستضعفان بر تمام جهان و وراثت پاکان و پرهیزگاران بر کل زمین به طور قطع تضمین شده و استقرار حکومت واحد جهانی و فراگیر شدن حق و عدالت در تمام عالم خاکی یک امر مفروض و حتمی است. تحقق این تحول بزرگ و اصلاحات جهانی توسط فردی از تبار پیامبران و آخرین خلیفه خاتم پیامبران(ص) که در منابع روایی دینی ما از آن با نام امام مهدی از نسل امامان معصوم(ع) یاد شده است انجام می‌گیرد و توسط آن منجی عالم، با یاری و نصرت الهی ریشه تمام تباهی‌ها و فسادها و نابسامانی‌ها نابود شده و و ریشه تمام ستم‌ها خشکانده می‌شود.

با توجه به این سرمایه امیدبخش و حرکت آفرین در فرهنگ دینی ما مسلمانان و خصوصاً پیروان اهل بیت(ع) پیش‌نهاد نویسنده این است که متفکران مسلمان و مبارزان عالم از این سرمایه امید بخش استفاده نموده و با ظلم و استکبار و سردمداران کفر به مقابله برخاسته و از این ظرفیت کلان و سلاح موثر به منزله یک جریان فکری قوی جهت تضعیف ستمکاران و اربابان ستم و جور بهره برده و مانع اساسی در برابر زورگویان عالم و ظلم سردمداران کفر و استکبار ایجاد نموده و مانع استمرار زورگویی و بسط ستم آنان گردد. ان شاء الله و تعالی!

پانویست

۱. به عنوان نمونه مراجعه گردد به : توبه/۸/۹. کهف/۲۰/۱۸. چنانکه در این دو مورد که در باره داستان اصحاب کهف، و مشرکین مکه است، مسلم و آشکار است که نه بت پرستان قوم اصحاب کهف، و نه بت پرستان مکه هرگز پیروزی منطقی بر خدا پرستان نداشتند؛ غلبه آن ها تنها غلبه خارجی و فیزیکی بود، پس منظور از کلمه «لیظهره» در موارد کار بردش در قرآن کریم به معنی پیروزی و غلبه عینی و خارجی است نه غلبه منطقی و ذهنی. توبه/۳۲/۹ و ۳۳. فتح/۲۸/۴۸. صف/۹/۶۱.

۲. و نیز ذیل آیه: ر. ک: ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، جلاء الازدهان و جلاء الاحزان. ر. ک: حسین بن علی ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. محمدبن ابراهیم صدرالمتهین، تفسیر القرآن الکریم (صدر). ر. ک: حشمت الله ریاضی خانی رضا، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباد، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش، چاپ اول.

۳. همانگونه که امام باقر(ع) در تفسیر آیه شریفه ۱۷ سورة مبارکه حدید/۵۷/ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ، بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید. میفرماید: خداوند زمین را با حضرت قائم(عج) زنده می گرداند. آن حضرت در زمین به عدالت رفتار می کند و زمین را با گسترش عدالت زنده می کند؛ پس از آنکه در اثر گسترش ستم مرده بود.

۴. بشارت های نوید بخش در کتب ادیان از جمله تورات، انجیل و ... و نیز مباحث و مطالب درباره منجی و حوادث و تحولات آخرالزمان در مقاله دیگری که با عنوان: موعود آخرالزمان و بشارت های نوید بخش عهدین مطابق قرآن، توسط این جانب تدوین شده است بطور مفصل و مشروح انجام گرفته و بررسی شده است که برای اطلاع از این بشارت های نوید بخش به آن جا مراجعه گردد.

کتابنامه

- اخلاقی، عبد الله، اصلاحات در حکومت حضرت مهدی^(ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی قم، ۱۳۸۳ ش.
- القرشي باقر شريف، حياة الإمام المهدي^(ع)، ناشر: انتشارات امير، بی‌جا، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق، برابر با ۱۹۹۶ م.
- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ناشر: انتشارات دار الفکر، قم، چاپ سوم، ۱۳۵۰ ش.
- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، ناشر: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- ایروانی محمدباقر، الإمام المهدي^(ع) بين التواتر و حساب الاحتمال، ناشر: انتشارات مرکز الأبحاث العقائدية، چاپ اول، قم، ۱۴۲۰ ق.
- بحرانی سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ناشر: انتشارات بنیاد بعثت، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۶ ق، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة - قم.
- حویزی عروسی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ناشر: انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ه ق.
- رجالی تهرانی علی‌رضا، موعود قران امام مهدی، ناشر انتشارات خادم الرضا^(ع)، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.
- ریاضی‌خانی‌رضا حشمت الله، ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة، ناشر: انتشارات مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ناشر: انتشارات طه، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ه ق.
- طبرسی فضل‌بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ

سوم، ۱۳۷۲ش.

فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، **مفاتیح الغیب**، ناشر: انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۲۰ه ق.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، **اصول کافی**، ناشر: انتشارات دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ه ق.

مجلسی (علامه)، محمد باقر، **بحار الانوار**، ناشر: انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ناشر: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

نعمانی محمدابن ابراهیم، **کتاب الغیبه**، ناشر: انتشارات مکتبه الصدوق، تهران، بی تا، تحقیق علی اکبر غفاری.

نوری، احمدعلی، **حکومت صالحان و آینده بشریت از دیدگاه قرآن و حدیث**، پایان نامه: کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی قم، سال دفاع: ۱۳۸۶ش.
هلالی، سلیم بن قیس، (متوفی ۷۶ق)، **کتاب سلیم بن قیس هلالی**، ناشر: انتشارات الهادی، قم، چاپ اول، بی تا.